■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۴۱ ■ سه‌شنبه ■ ۱۰ آبان ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۴۸ | اذان مغرب ۱۷/۲۸ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ | اذان صبح فردا ۵/۰۲ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۷

سخن روز

امیرالمؤمنین امام علی (ع):
کسی که به حرف آدم سخن‌چین گوش بدهد دوستان خود را از دست خواهد داد.
(نهج‌البلاغه، کلمة۲۳۱)

حرف اول دنیا را در فرش و شعر می‌زنیم

احمدرضا احمدی: ایران در دو هنر بزرگ فرش و شعر، حرف اول را در دنیا می‌زند، اما سایر هنرها مانند تئاتر و سینما عاریه است. مسأله‌ای که امروز وجود دارد این است که بچه‌های امروز تنبل هستند اما نسل ما دنبال موضوعات مختلف بود. اساس تاریخ شعر فارسی در آثار چند شاعر مؤلف هست؛ حافظ، سعدی، نظامی و باقی همه تقلید کرده‌اند و پس از ۲۰ قرن سکوت به نیما می‌رسیم و پس از نیما هم‌شاگردانش حدود ۴ نفر بودند که خلاق بودند و کار کردند.
هنر فرش در ایران حیرت‌انگیز است. هر روستایی، مکتب منحصر به خودش را دارد؛ مثلاً فرش کرمان با تبریز تفاوت بسیاری دارد. خوشبختانه تکنولوژی نتوانسته این منحصربه‌فرد بودن را خراب کند و ما هنوز هم نقاشِ فرش هستیم و آدم‌های بزرگی در این حوزه داریم.

بخشی از سخنان بنیانگذار سبک موج نو در شعر معاصر در گفت‌وگو با ایرنا

حدیثی دل انگیزم آمد به یاد
پیامی که آن مقتدا می‌دهد
که «مَن زارَ عَبدالعَظیم بِری»
«کَمَن زارَ کَرب وبَلا» می‌دهد

شاعر: عباس براتی‌پور

نـــگاره

رضا بدرالسماء

آرتین، قلب ایران

هنرمندان در فضای مجازی

در نظر گرفتن یک هدیه تئاتری برای نوجوانان به مناسبت گرامیداشت روز دانش‌آموز، خبری از ساخته تازه جیمز کامرون برای علاقه‌مندان سینمای جهان، نگاهی به یکی از مجموعه کتاب‌های همواره محبوب تألیفی داستانی و اشاره مختصری به زندگی پر رمز و راز آهنگساز شهیر آلمانی از جمله مطالب خواندنی است که امروز در فضای مجازی و رسانه‌های رسمی کشور خودنمایی می‌کند.

■ هدیه‌ای به نوجوانان

زمان کمی به فرارسیدن روز گرامیداشت دانش‌آموز باقی مانده و این در حالی است که قرار شده فیلم‌تئاتر «عقل صورتی یا مدادی که فقط مشق می‌نوشت» به همین مناسبت، میزبانی دانش‌آموزان سراسر کشور را به عهده داشته باشد. این فیلم‌تئاتر به مدت ۲ روز در دوازدهم و سیزدهم آبان‌ماه جاری در پایگاه مجازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اکران می‌شود. نمایش «عقل صورتی یا مدادی که فقط مشق می‌نوشت» به نویسندگی و کارگردانی مهدی فرشیدی‌سپهر در سال ۱۳۹۵ در مرکز تولید تئاتر و تئاترعروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان روی صحنه رفت. داستان این نمایش درباره رضا، پسرکی بازیگوش است که ارتباط کمی با خانواده و دوستانش دارد. رضا یک شب خواب خانواده و معلم‌هایش را می‌بیند؛ فردا صبح، او دگرگون شده است... سعید ابک، مهرداد باقری، شراره طیار، فهیمه باروتچی، الهام ایروانی، مریم علوی، امیرحسین انصافی، ایلیا فرمانی، آبتین رابا، محمدحسین موسوی، ونوس شمس، مریم منصوری، هانا صراف، مهتاب حیدری، دیبا عنصری، سمیه انصاری، میلاد محمدی، آرین صمدی، امیرعلی رادمنش، پویا طهماسبی، پیام رضایی، حمیدرضا گودرزی و مریم آشوری در این نمایش ایفای نقش می‌کنند.

■ سینمای جهان

اگر در زمره آنهایی هستید که از تماشای فیلم «آواتار» ساخته سینمایی جیمز کامرون در سال ۲۰۰۹ لذت بردید، تا چندی دیگر می‌توانید قسمت دوم آن را ببینید. کامرون در حالی بعد از گذشت ۱۳ سال، فیلم «آواتار: راه آب» را روانه پرده نقره‌ای سینماهای جهان می‌کند که ساخته تازه‌اش تقریباً ۳ ساعت و ۱۰ دقیقه مخاطبان را پای فیلم نگه خواهد داشت! البته این تنها نکته قابل توجه آواتار ۲ نیست، این فیلم از نظر شرایط ساخت هم در جمع پرهزینه‌ترین‌های هالیوود قرار دارد. فیلم اصلی «آواتار» یا بهتر است بگوییم قسمت نخست آن‌هم در ردیف پرفروش‌ترین‌های تاریخ هنر هفتم قرار دارد. در «آواتار۲» «زویی سالدانا»، «سم ورثینگتون» و «سیگورنی ویور» در کنار «کیت وینسلت» و«میشل یئون» ایفاگر نقش‌های اصلی هستند. ساخت همزمان چهار دنباله سینمایی برای فیلم «آواتار» که گفته می‌شود یک میلیارد دلار هزینه در پی خواهد داشت، چند سالی است در جریان است و قرار بود در انتهای سال ۲۰۲۰ این فیلم‌ها آماده شوند. هم‌اکنون تاریخ اکران برای «آواتار۲» ۱۶ دسامبر ۲۰۲۲ است و دنباله‌های بعدی نیز قرار است در سال‌های ۲۰۲۳، ۲۰۲۵ و ۲۰۲۷ عرضه شوند.

■ کتاب‌های همیشه محبوب

برخی مخلوقات ادبی چندان زمان سرشان نمی‌شود و در همه دوره‌ها و در بین خوانندگان بسیاری عنوان همیشه محبوب را از آن خود می‌کنند؛ در این بین اگر شانس ترجمه هم نصیب‌شان شود که دایره خوش‌شانسی‌شان گسترده‌تر هم می‌شود. از مصادیق تألیفی این گفته می‌توان به مجموعه ۸ جلدی «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» نوشته مهدی آذریزدی اشاره کرد که همچنان جزو پرفروش‌ترین کتاب‌های انتشارات امیرکبیر است و جلد اول آن تاکنون نزدیک به یک‌صد مرتبه تجدید چاپ شده است! آذریزدی از آن دسته نویسندگانی است که آثارش در خانه بسیاری از ایرانی‌ها جا خوش کرده و با آن چهره مهربان و قلم شیوای خود توانسته برای دهه‌های متوالی، نویسنده محبوب هموطنان خود شود.

■ گشتی حوالی موسیقی

حتی اگر روحیه‌تان چندان به موسیقی نخورد، بعید است نام برخی از بزرگان این عرصه را نشنیده باشید. از جمله آنها می‌توان به آهنگساز شهیر آلمانی اشاره کرد؛ «لودویگ فان بتهوون» که از او به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین آهنگسازان جهان بویژه درعرصه موسیقی کلاسیک یاد می‌کنند. زندگی او مملو از اتفاقات و نکاتی جالب توجه است؛ از استادانی که نزد آنها آموزش دیده تا آخرین کلماتی که بر زبان آورده. یکی از عجایب زندگی بتهوون این است که او طی گذر سال‌ها شنوایی‌اش را از دست می‌دهد، با این حال دست از کار نمی‌کشد و به طور کامل به آهنگسازی روی می‌آورد. مشکلات شنوایی بتهوون از ۲۶ سالگی‌اش آغاز شد و در دهه آخر زندگی او به طور کامل شنوایی اش از بین رفت. اطلاعات دقیقی درباره اینکه چرا از این موهبت الهی محروم شد در دست نیست؛ هرچند در برخی منابع مکتوب دلیل آن را ابتلا به بیماری‌هایی نظیر تیفوس عنوان کرده‌اند. او ماندگارترین آثار خود را زمانی ساخت که وضعیت شنوایی‌اش رو به وخامت بود. اگر علاقه‌مند به کسب اطلاعات بیشتر درباره زندگی شخصی و حرفه‌ای بتهوون هستید، سری به ایسنا و گزارشی که در این باره نوشته شده است بزنید.

طراحی شخصیت بافت‌های روستایی

یادداشت

مجید فروغی
پژوهشگر هنر

نمایشگاه «صداقت»، طراحی‌های منوچهر موغاری از بافت‌های روستاهای ایران در دهه شصت و هفتاد است. در این نمایشگاه ۷۰ اثر طراحی از روستاها در مؤسسه صبا به نمایش گذاشته شده است. این آثار سال ۱۳۸۵ در کتابی با عنوان بافت های روستایی ایران منتشر شده و سال ۱۳۸۸ هم نمایشگاهی از این آثار برای نخستین بار در فرهنگسرای نیاوران برگزار شده است. موغاری بعد از سال‌ها با طراحی دوباره این آثار در اندازه‌های بزرگتر، مجموعه طراحی‌ها را به نمایش گذاشته و بازخوانی کرده است.

طراحی‌های منوچهر موغاری از بافت‌های روستایی ایران، ابعاد زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی و معماری روستاهای ایران را ثبت کرده است. این طراحی ها ساختار روستایی را با همه تنوع و گوناگونی و در پیوند با گستره‌های حیات بومی و اقلیمی از منظری زیبایی‌شناسانه روایت می‌کند. بافت‌هایی که متأثر از عوامل محیطی و انسانی روستاها شکل گرفته‌اند. گرچه انسان در طراحی‌های موغاری غایب است، اما حضور و تأثیر انسان و اجتماع روستایی، در چگونگی بافت‌ها و معماری روستایی قابل دریافت است. چنانکه نقش عوامل محیطی، اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را بیان می‌کنند. سکوت و سادگی روستاهای کویر در طراحی‌های سیاه و سفید روایتگر تعامل و گفت‌وگوی روستاییان با شرایط زیست‌محیطی، خاک، آب و باد است.

طراحی طبیعت‌گرایانه بر اساس واقعیت‌های بافت‌های روستایی و وفادارانه به ترکیب‌بندی آنها، ویژگی آثار موغاری است. طیف سیاه، خاکستری و سفید سیال و جاری در حرکت مداد طراح، اجزا و عناصر بافت‌ها و معماری را در هماهنگی و همنشینی با هم نشان می‌دهد. اجزا و عناصری که برخاسته از تاریخ و جغرافیای اجتماعی روستا و بخشی از هویت آن است. طراحی‌ها حرکت و پویایی را در بطن ظاهر ساکت و ایستای کلیت هر اثر جای داده است و ما را به تکاپوی روستاییان در طول تاریخ برای زیستن در تعامل با اقلیم خود، ارجاع می‌دهند. انتخاب طراحی برای تصویر بافت‌های روستایی نیز در تناسب با سوژه قرار گرفته و طراحی‌های سیاه و سفید با سادگی، سکوت و خلوت روستاها پیوند خورده است. هویت، شخصیت و معماری بافت‌های روستایی محوریت طراحی‌های منوچهر موغاری است که در یک دوره زمانی مشخص ثبت شده‌اند، اما زمینه‌های پیشین این هویت و امکان تغییر و نیستی آن در آینده را نیز می‌توان در این آثار جست‌وجو کرد. وجه کاربردی این طراحی‌ها، بستری است که برای مطالعه و پژوهش بین‌رشته‌ای هنر و علوم اجتماعی فراهم می‌کند.

ایران

بیشتر از دو سه دهه از زمان طراحی این بافت‌های روستایی نمی‌گذرد، اما حالا این طراحی‌ها روایت بافت‌هایی هستند که بسرعت از بین می‌روند و به تاریخ می‌پیوندند و جنبه تاریخی آثار برجسته می‌شود. منوچهر موغاری، از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۰ با ماشین پیکان خود به روستاهای خراسان، سیستان و بلوچستان، سمنان و... سفر کرد، با روستاهای کویری و روستاییان همنشین شد و سکوت و سادگی آنها را طراحی کرد. اگر هنرمند طراح بعد از این سال‌ها دوباره به این روستاها سفر کند ممکن است بسیاری از این بافت‌ها گم شده باشند و خبری از آنها نباشد. تغییر و تحول محیطی و اجتماعی و فرهنگی، بافت‌های روستایی را که از دل زمینه محیطی و انسانی برآمده بودند، دگرگون کرده است. حالا دیگر از پیکانی هم که طراح سوار بر آن در مسیر این روستاها حرکت می‌کرد، خبری نیست، تغییر و تحول اجتماعی و فرهنگی پیکان را نیز به دل تاریخ سپرده است.

من همینم که هستم...

درنگ

دکتر نفیسه حشمتی‌مولایی
روانشناس

یکی از دوستان تعریف می‌کرد که هرچه به همسرش می‌گوید که «من از فلان عادت شما اذیت می‌شوم» ایشان پاسخ می‌داد که: «من همینم که هستم. می‌خواهی، بخواه و نمی‌خواهی، نخواه.» این یکی از ناپخته‌ترین و کودکانه‌ترین جملات در رابطه‌ها است و نشانگر این است که فرد، به جای اینکه بخواهد خود را رشد دهد، به صورت نابجا توقع دارد تا دیگران او را به همان صورت بپذیرند. این در حالی است که وقتی وارد رابطه می‌شویم، چه با والدین و چه با همسر یا فرزندان یا با دوستانمان و... باید یادمان باشد این رابطه سه عنصر دارد: من، دیگری و رابطه. من و دیگری باید سعی کنیم برای رشد خودمان و بهتر شدن وضع رابطه مان بکوشیم و هیچ یک کم‌کاری و کوتاهی نکنیم تا خودمان یا دیگری متحمل تاوان قصورها در رابطه نشویم.

در واقع پذیرش، اولین قدم برای تغییر است و تا نپذیریم مشکلی داریم، نمی‌توانیم خود را رشد بدهیم. در مرحله پذیرش، خودشیفتگی‌ها مانع می‌شوند که بپذیریم ما هم نیاز به اصلاح و رشد داریم.

یکی از نشانه‌ها یا عوارض خودشیفتگی این است که به جای اینکه خودمان را مسئول شکست‌ها یا اشتباهاتمان بدانیم، تمام مسئولیت‌ها را بر گردن دیگران بیندازیم و خود را فردی عاری از خطا در نظر بگیریم؛ نکته قابل تأمل این است که برخی حتی در مرحله شدیدتری از خودشیفتگی هستند و گاهی فکر می‌کنند که اگر به جای افراد دیگر بودند، کاری را که تا حالا تجربه آن را نداشته‌اند، بهتر از آنها که تخصص آن را دارند، می‌توانند انجام دهند؛ برای مثال برخی افراد با اینکه تا به حال یک کتاب علوم سیاسی هم نخوانده اند؛ فکر می‌کنند که اگر به جای فلان سیاستمدار بودند؛ بهتر از او می‌توانستند عمل کنند؛ یا با اینکه تا به حال یک بار هم درد خانواده‌ای را، که کودکی بیمار دارد، تجربه نکرده‌اند، به خود اجازه قضاوت چنین خانواده‌هایی را می‌دهند؛ یا افرادی که حتی یک بار با گرسنگی نخوابیده‌اند و اطلاع ندارند که گرسنگی، روی هیجانات و تفکر انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و آنها را از حالت طبیعی خارج می‌کند، خانواده‌هایی را، که با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند، قضاوت می‌کنند که باید در فرزندپروری بهتر عمل می‌کردند تا فرزندشان پرخاشگر نشود.

در مرحله‌ای از رشد تفکر، که با اصطلاح خودمحوری از آن یاد می‌شود، فرد، خود را محور جهان می‌بیند و فکر می‌کند هرچیزی که او مشاهده می‌کند، دیگران هم الزاماً همان را می‌بینند؛ اما در ادامه مسیر رشد، رفته‌رفته متوجه می‌شود که این طور نیست و ممکن است بسته به زاویه دید متفاوت، درک هر فردی از موضوعات، متفاوت شود. واقعیت این است که درک همه از موضوعات، مشابه ما نیست و اگر از نظر رشد تفکر در این مرحله بمانیم، ممکن است به بزرگسالی تبدیل شویم که از نظر فکری در حد یک کودک است. با این وضعیت اگر در رابطه‌ای نیز وارد شویم، هم خودمان آزار می‌بینیم؛ هم به دیگران آزار می‌رسانیم؛ به طور مثال در اطرافمان ممکن است زوج‌های زیادی را دیده باشیم که سر یک جمله با هم وارد بحث و مشاجره شدید می‌شوند؛ ولی ماجرا سر این است که هر کدام با زندگی متفاوت خود و تجاربی که داشته‌اند و از زاویه متفاوتی که به موضوع نگریسته‌اند، نتیجه‌گیری و به تبع آن رفتار متفاوتی از خود بروز داده اند؛ حتی بدون اینکه منظور بدی داشته باشند؛ از این رو بهتر است که با همدلی و نگریستن به موضوعات از زاویه دید دیگری و دیگران، ضمن اینکه او را بهتر می‌توانیم درک کنیم، به سمت و سوی خودشیفتگی هم پیش نرویم و حواسمان باشد به جای تمرکز بر عیب‌های دیگران، شایسته است که بر رشد و پیشرفت خود در همه جنبه‌ها از جمله مهارت‌های ارتباطی متمرکز شویم.

جمهوری اسلامی، تنها راه جدایی از تفکر داعشی است

یادداشت

داوود مهدوی زادگان
پژوهشگر حوزه فقه و علوم سیاسی

نویسنده حقوقدانی که در کتاب خود، جمهوری اسلامی را توصیه به جدا کردن راه خود از تفکر داعشی می‌کند و برای این جدایی پیشنهاد مشعشع می‌دهد، اکنون خود گرفتار داعشی‌ها شده است و هیچ سعی و تلاشی برای جدا کردن راهش از راه داعشی نمی‌کند. وقتی حقوقدان ما بی‌تأمل و درنگ حقوقی بیانیه علیه یک اتفاق کاذب صادر می‌کند و آتش فتنه را شعله‌ورتر می‌کند و با سکوت معنادارش عمر فتنه را بیشتر می‌کند، می‌بایست پیش‌بینی این را می‌کرد که با این شکل از حمایت‌ها که ناشی از جهل نامقدس است، زمینه برای حمله‌های تروریستی داعش، مانند کشتار نمازگزاران حرم شاهچراغ فراهم خواهد شد.

اکنون می‌بینیم که راه بیانیه‌نویسان علیه تهمت بزرگ با راه تفکر داعشی یکی شده است. هر دو در یک مسیر قرار گرفته‌اند. آنها در همان راهی گام برمی‌دارند که راه جماعت داعشی است. وقتی نمی‌آیند این جنایت ددمنشانه را محکوم کنند، آنگونه که برای یک اتفاق موهوم بیانیه صادر کردند، طبیعی است که در نظر افکارعمومی این ترک فعل آنان به معنای همراهی با تفکر داعشی است.

اما اگر سؤال شود که دلیل همراه شدن اینان با تفکر داعشی و اغتشاشگران چه چیزی است پاسخ مسأله در جدایی این حضرات از راه جمهوری اسلامی است. راه تفکر داعشی از همان ابتدا در تعارض و تعاند با راه جمهوری اسلامی بود. اصلاً این جریان تکفیری برای ستیز با اسلام سیاسی توسط سازمان‌های جاسوسی امریکایی پدید آمده است. به همین خاطر، همراهی با راه جمهوری اسلامی موجب جدایی و تقابل با راه داعشی می‌شود.

عجیب اینجا است که این دسته از نویسندگان حقوقدان با انبوهی از مطالعه و تحقیق و نیز مشاهده واقعیات عینی، جمهوری اسلامی را همراه با تفکر داعشی می‌پندارند ولی هیچ ظنی بر همراهی خودشان با داعشی و اغتشاشگر نمی‌برند. یعنی اینان مجاهدت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و مدافعین حرم در ایستادگی برابر داعش و نابودی آن را ندیده و نمی‌بینند. آیا نمی‌بینند که چگونه اغتشاشگر و داعشی کمر به نابودی راه جمهوری اسلامی بسته است و خواهان محو کتاب و عترت طاهرین شده‌اند؟

آری، واقعیت این است که اینان حقیقت جدایی راه جمهوری اسلامی از راه تفکر داعشی و منافقین خونخوار را خوب می‌دانند. بهتر از من و شما می‌دانند. چون عمری حقوق خوانده‌اند و شاکی و متشاکی را می‌شناسد ولی جهل نامقدس و کینه غربزدگی که بر قلب‌شان مستولی شده نمی‌گذارد حقیقت روز واقعه را بازگو کنند. نمی‌گذارد حتی در قلب‌شان راه خود را از تفکر داعشی جدا کنند و با جمهوری اسلامی همراه شوند.

تو واقعاً چه کسی هستی؟

یک فنجان حرف

آزاده سهرابی
روانشناس

تو واقعاً چه کسی هستی؟ این سؤال جذاب، گره بسیاری از فیلم‌هایی شده است که عموم آنها زیربنایی روانشناسانه دارند؛ از فیلم The Machinist که با نام ماشین‌چی یا ماشین کار در ایران ترجمه شده است تا Shutter Island یا جزیره شاتر. در این فیلم‌ها که عموماً فضایی معمایی و جنایی دارند، مخاطب در مقابل این پرسش که هویت واقعی یا داستان واقعی شخصیت‌ها چیست، قرار می‌گیرد و همراه با روند روایت فیلم باید یک پازل را در ذهن حل کند. باز یکی از جذاب‌ترین بخش‌های این فیلم‌ها این است که عموماً جهان درون ذهنی یک شخصیت روایت می‌شود و مخاطب این را به مرور در می‌یابد و تا پیش از آن گویی دارد یک روایت کلاسیک از فیلمی معمایی جنایی را می‌بیند اما به مرور شک‌ها در روایت درباره ساختار روایت و کیستی شخصیت خود را نشان می‌دهد. مثلاً در فیلم ماشین‌چی مخاطب که با یک شخصیت روبه‌روست که یک سال است نخوابیده (نتوانسته در خوابیدن موفق شود) با حوادث عجیبی روبه‌رو می‌شود و حتی به ذهنی هذیانی در روایت پی می‌برد که در واقع ذهن هذیانی شخصیت اصلی است که گویی هم می‌خواهد به ماجرای بی‌خوابی خود و اتفاقات معمایی درون فیلم که نمی‌دانیم کدام واقعی و کدام ساخته ذهن شخصیت است، پی ببرد و هم اصرار دارد در همان جهان با باورهای هذیانی خود باقی بماند. در این میان نشانه‌های نمادین بسیاری نیز وجود دارد که می‌تواند تفسیری روانکاوانه یا تحلیلی روانپزشکی به خود بگیرد. مثل وسواس به شستن دست‌ها توسط شخصیت اصلی به نام ترور رزنیک که هم یک نشانه قابل تحلیل در ساختار روانی یک فرد وسواسی است که حالا به بی‌خوابی عجیبی نیز دچار است و هم کارکرد نمادین روانکاوانه دارد که سؤال را ایجاد می‌کند «او کدام گناه را دارد که دچار چنین اضطرابی می‌شود؟» در واقع در دید روانکاوانه، اختلالات روانی خود مکانیسمی دفاعی هستند در برابر واقعیت‌های رنج‌آوری که فرد در سطح روان خود آنها را واپس‌رانی کرده است و به این شکل مدام و مدام در زندگی خود را نشان می‌دهد. نکته قابل تأمل این است که در ساختار چنین فیلم‌هایی انگار همیشه پای یک احساس گناه یا عذاب وجدانی نیز در میان است. این احساس بسیار عمیق انسانی که ما در زندگی روزمره نیز بسیار تجربه می‌کنیم گاهی به شکل دراماتیکی می‌تواند یک روایت جذاب معمایی را پیش ببرد مثل همین دو فیلمی که نام برده شد. در فیلم جزیره شاتر نیز شخصیت اصلی روایت برای پی بردن به آنچه در یک تیمارستان در جزیره‌ای دورافتاده می‌گذرد وارد این جزیره می‌شود و مخاطب حتی تا دقایق آخر نمی‌داند آنچه می‌بیند هذیان‌های یک ذهن بیمار است که احساس گناه و تروما (آسیب پس از سانحه) کشته شدن فرزندانشان توسط همسرش و سپس قتل او توسط خودش را مدام و مدام واپس‌رانی کرده یا حقیقتاً با یک سیستم پیچیده‌ای روبه‌روست که دارد آدم‌ها را دیوانه می‌کند تا مرتکب قتل شوند! اما در این فیلم نیز در نهایت مخاطب پی می‌برد از ابتدا در دنیای هذیانی یک بیمار با اختلالات روانی پیچیده روبه‌روست.

شاید تفاوت این دو فیلم که در واقع زیربنای ساختمان آن احساس گناه است و گره اصلی آن را که «شخصیت اصلی روایت کیست» بتوان در انتخاب آنها در انتهای فیلم دانست. - هر چند ساختار، روایت و گره‌گشایی و... در هر دو فیلم بسیار متفاوت است- در فیلم ماشین‌چی شخصیت اصلی در نهایت وقتی پی می‌برد که علت اصلی هذیان‌ها و نخوابیدن‌هایش در واقع یک اتفاق است که آن را به فراموشی سپرده- اینکه یک سال پیش با ماشین خود و در تصادف باعث مرگ کسی شده و فرار کرده است- برای رهایی از رنج احساس گناه و بی‌خوابی خود را تسلیم پلیس می‌کند تا در نهایت همه فضای خاکستری و بی‌رمق دور و بر او جان بگیرد و او بتواند در زندان بخوابد! اینجا فرد با پذیرش مسئولیت گناه خود، با آن روبه‌رو می‌شود و گرچه به زندان می‌رود اما در واقع نوعی رهایی از رنج یا دنیای توهمی را به همراه دارد. برعکس آن در فیلم جزیره شاتر می‌شود این برداشت را از سکانس پایانی فیلم داشت که شخصیت اصلی گرچه به یاد می‌آورد چه واقعه‌ای را سرکوب کرده است اما ترجیح می‌دهد آن را نپذیرد - شاید متوجه می‌شود روان او قادر به تحمل چنین اتفاق تروماتیک و بار گناهی نیست یا نمی‌تواند با مسئولیت آنچه بر سر زن و فرزندانش رفته مواجه شود- او معتقد است، بهتر است به عنوان یک فرد خوب - آنچه در دنیای توهمی‌اش درباره خودش می‌پندارد- از دنیا برود تا به عنوان یک فرد با چنین گذشته دهشتناکی!

واقعیت این است که ما نیز در زندگی واقعی در برابر آنچه در ما احساس گناه را بیدار می‌کند، همین دو راهی را در پیش داریم.

عکس نوشت

جشنواره «انیمیشن فیلم است» با نمایش فیلم استاپ موشن «پینوکیو» ساخته گی‌یرمو دل‌تورو در حالی به پایان رسید که این فیلم و سازنده‌اش با تشویق ایستاده حضار بدرقه شدند.
دل‌تورو در مورد ساخت فیلمش گفت به انیماتورهای فیلم «پینوکیو» به عنوان بازیگرانش نگاه می‌کند. وی از روش استاپ موشن به عنوان شکلی از انیمیشن یاد کرد که در آن پیوند بین انیماتور و شخصیت از همه نزدیک‌تر است. /مهر